

مسئولیت بین‌المللی دولت کانادا به واسطه نقض مصونیت دولت ایران در نتیجه توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های امریکا

وحید بذّار *

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/CILAMAG.2020.117842.1832

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

چکیده

دیوان دادگستری عالی انتاریو کانادا در اکتبر ۲۰۱۹ حکم به توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال دولت ایران در خاک کانادا داد تا بتواند از محل آن، آرای دادگاه‌های ایالات متحده امریکا در دعوی تروریستی را اجرا کند. دولت کانادا با تصویب قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (۲۰۱۲)، مصونیت صلاحیتی، و با اجرای آرای دادگاه‌های امریکا، مصونیت دولت ایران و اموال آن را از اجرا نقض کرده و از این بابت دارای مسئولیت بین‌المللی است. ایران می‌تواند با صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری، موجبات تعقیب قضایی این دولت را در دیوان فراهم آورد و با توجه به رویه دیوان در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی دولت» به نظر نمی‌رسد که برای اثبات متخلفانه بودن اقدام کانادا در مرحله ماهوی مشکلی داشته باشد. البته علاوه بر اینکه در رسیدگی احتمالی در دیوان، امکان ورود امریکا به‌عنوان ثالث و طرح ادعاهای متعدد از جانب آن و امکان طرح دعوی متقابل محتمل خواهد بود، تهدیدهایی نیز به‌واسطه صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان متوجه ایران خواهد شد و ممکن است این اقدام، سبب طرح برخی دعوی علیه ایران در محدوده اعلامیه صادره شود.

واژگان کلیدی

کانادا، ایران، مصونیت، تروریسم، مسئولیت، دیوان بین‌المللی دادگستری

مقدمه

در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۹ (۲۱ مهر ۱۳۹۸) دیوان دادگستری عالی انتاریو کانادا^۱ حدود ۳۰ میلیون دلار اموال دولت ایران را که در نتیجه فروش دو ساختمان - مرکز فرهنگی ایرانیان در اوتاوا^۲ و مرکز مطالعات ایرانیان در تورنتو^۳ - و توقیف چند حساب بانکی ایرانی به دست آمده بود به اجرای آرای دادگاه‌های امریکایی در دعاوی تروریستی اختصاص داد.^۴ دیوان مذکور با این اقدام، رویه‌ای را دنبال کرد که برای نخستین بار به وسیله دادگاه امریکا در قضیه پیترسون علیه ایران انجام شده بود و دادگاه امریکایی با صدور حکمی در ۲۰۱۶ دستور داد قریب به ۱/۸ میلیارد دلار اموال از قبل توقیف شده بانک مرکزی ایران میان خواهان‌های پرونده توزیع شود. ایران اقدام دادگاه کانادا را نقض آشکار حقوق بین‌الملل دانست و آن را به شدت محکوم و اعلام کرد که در صورت عدم لغو این تصمیم و جبران خسارت ایران، ایران اقداماتی را اتخاذ خواهد کرد.^۵

طبق این اصل که «همگنان متساوی‌الحقوق بر یکدیگر برتری ندارند»^۶ و اصل برابری حاکمیت دولت‌ها^۷ که یکی از اصول بنیادین نظم حقوقی بین‌المللی است،^۸ دولت‌ها نباید صلاحیت قضایی خود را بر سایر دولت‌ها اعمال کنند.^۹ با اینکه رعایت مصونیت دولت‌ها با نادیده گرفتن حق

1. Ontario Superior Court of Justice
2. Iranian Cultural Centre in Ottawa
3. Center for Iranian Studies in Toronto
4. <https://www.presstv.com/Detail/2019/09/13/606077>.

۵. رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در این خصوص گفت که در قبال این اقدام دولت کانادا، کشتی‌ها یا کالاهایی که با عبور از تنگه هرمز در حال حرکت به سمت کانادا هستند باید توقیف شوند.

<https://www.forbes.com/sites/dominicdudley/2019/09/17>

پیشنهاد توقیف کشتی‌های کانادایی یا کشتی‌هایی که کالاهایی را به مقصد کانادا حمل می‌کنند، با توجه به تجربه عملی موفق ایران در قضیه توقیف کشتی گریس ۱ بود. شرح قضیه بدین قرار است که ۱۵ روز پس از اینکه کشتی حامل ۲,۱ میلیون بشکه نفت ایران به وسیله نیروی دریایی بریتانیا در تنگه جبل الطارق توقیف شد، دولت ایران کشتی بریتانیایی *استینا امپرو* را که در حال عبور از تنگه هرمز بود توقیف کرد و با فشار بر بریتانیا موجبات رفع توقیف کشتی گریس ۱ را فراهم آورد. بریتانیا در این قضیه ادعا می‌کرد که نفتکش گریس ۱ که به سمت سوریه حرکت می‌کرد، با ورود به مرزهای اتحادیه اروپا به واسطه عبور از تنگه جبل الطارق، دستورالعمل شماره ۲۰۱۲/۳۶ اتحادیه اروپا (۱۸ ژانویه ۲۰۱۲) که ایجاد هرگونه منفعت اقتصادی به سوریه را منع کرده را نقض می‌کند.

6. *par in parem non habet imperium*.
7. Charter of the United Nations, art. 2 (1).
8. *Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy, Greece intervening)*, I.C.J. Reports 2012, para. 57.
۹. شهپازی، محمدعلی؛ «بررسی مبانی استثنائات وارده بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل با تأکید بر اقدام کانادا برای نقض مصونیت ایران»، مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل، به اهتمام محسن عبدالهی، مجد، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲.

زیان دیده نسبت به دسترسی قضایی و برابری در اعمال حقوق،^{۱۰} سبب بی‌کیفرمانی^{۱۱} می‌شود،^{۱۲} در حال حاضر به‌عنوان اصل حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است.^{۱۳} البته برخی دولت‌ها مثل کانادا و ایالات متحده آمریکا، مصونیت دولت‌های خارجی و اموال آن‌ها را در برخی حوزه‌ها در حقوق داخلی خود مستثنا کرده‌اند و برخی دیگر از جمله سوئیس، آرژانتین و ایران، اعطای مصونیت را منوط به عمل متقابل کرده‌اند.^{۱۴} به هر حال اگر اموال دولت در کشور خارجی برای اهداف اقتصادی استفاده شود، مصونیت نخواهد داشت و اثبات این امر طبیعتاً بر عهده مدعی است.^{۱۵} این مقاله قصد دارد به این پرسش اصلی بپردازد که آیا اقدام دیوان دادگستری عالی اونتاریو کانادا در توقیف و فروش اموال ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های خارجی با حقوق مصونیت دولت و اموال آن سازگار بوده است و در صورت عدم سازگاری، دولت ایران از چه راه‌هایی می‌تواند موضوع مسئولیت و جبران خسارت ناشی از این اقدام را به لحاظ حقوقی پیگیری کند.

۱. مصونیت دولت‌های خارجی و اموال آن‌ها در رویه و حقوق داخلی کانادا: بررسی موردی رأی دادگاه اونتاریو در خصوص توقیف و فروش اموال ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های آمریکا

حقوق کانادا، اصل مصونیت قضایی دولت‌ها را با لازم‌الاجرا شدن قانون مصونیت دولت در ۱۹۸۵ پذیرفته است. اما طبق این قانون، این مصونیت، مطلق نیست و استثناهایی در خصوص آن وجود دارد؛^{۱۶} بدین ترتیب که در صورت اعراض ارادی دولت از مصونیت، مبادرت به فعالیت‌های تجاری و اقدامات منجر به مرگ یا آسیب جسمی به افراد یا خسارت به اموال در خاک کانادا هیچ مصونیتی برای دولت خارجی قابل تصور نیست.^{۱۷} علاوه بر موارد مذکور، استثنای جدیدی در ۲۰۱۲ به اصل

۱۰. بیگزاده، ابراهیم؛ «بررسی میانی استثنائات وارده بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل با تأکید بر اقدام کانادا برای نقض مصونیت ایران»، مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل، به اهتمام محسن عبدالهی، مجد، ۱۳۹۴، ص ۴۰.

11. Impunity

۱۲. مصونیت ماهیتاً مانعی موقت در راه تحقق مسئولیت است و به‌محض رفع این مانع می‌توان به مسئولیت استناد کرد.

13. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property 2004, Preamble, p. 1.

۱۴. عبدالهی، محسن و میرشه‌بیز شافع؛ *مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل*، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶.

15. Ryngaert, Cedric. "Embassy Bank Accounts and State Immunity from Execution: Doing Justice to the Financial Interests of Creditors", *Leiden Journal of International Law*, 2013, Vol. 26, Issue 1, pp. 80-84.

۱۶. دولت‌های دیگری از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، استرالیا، سنگاپور و آفریقای جنوبی نیز استثناهایی را در قوانین ملی خود نسبت به مصونیت مطلق دولت‌ها پذیرفته‌اند. نواری، علی؛ «مصونیت قضایی دولت و نقض حقوق بشر در پرتو عملکرد دولت‌ها، رویه قضایی و دکتین»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۵۶-۱۰۵۵.

17. State Immunity Act of Canada 1985, paras. 4-6.

مصونیت قضایی دولت‌های خارجی در حقوق کانادا افزوده شد. در این سال، قانون عدالت برای قربانیان تروریسم اعلام کرد که «دولت‌های حامی تروریسم»^{۱۸} هیچ مصونیتی در دادگاه‌های کانادا نخواهند داشت و در ۷ سپتامبر همان سال، فهرست دولت‌های حامی تروریسم منتشر شد که در آن تنها نام دولت‌های ایران و سوریه درج شده بود.^{۱۹} این فهرست تا به امروز (۱ اکتبر ۲۰۲۰) بدون تغییر مانده است. این قانون هدف خود را امکان طرح دعوا برای قربانیان تروریسم اعلام کرده تا هر شخص کانادایی یا مقیم کانادای زیان‌دیده از اقدامات تروریستی در هر جای جهان بتواند خسارت‌های وارده از جانب تروریست‌ها و دولت خارجی حامی آن‌ها را که مصونیت‌اش ذیل بخش ۶،۱ قانون مصونیت دولت خارجی (۱۹۸۵) لغو شده، مطالبه کند. همچنین دادگاه کانادا می‌تواند طبق این قانون، آرای دادگاه‌های خارجی علیه دولت‌های حامی تروریسم را شناسایی و به موقع اجرا بگذارد.^{۲۰} این قانون با ارجاع به تعریف و مصادیق مندرج در خصوص تروریسم در قانون کیفری کانادا که نسبتاً موسّع است، سبب شده تا مصونیت دولت‌های خارجی برای جرایم مرتبط با حمایت از تروریسم به‌آسانی نادیده گرفته شود. نکته قابل توجه دیگر در خصوص قانون عدالت برای قربانیان، عدم شمول این قانون بر جنایت شکنجه است. این در حالی است که این رویکرد برخلاف گفتمان حقوق بشری کانادا در خصوص لغو مصونیت دولت در خصوص شکنجه یا رویکرد قانون ایالات متحده آمریکا در این خصوص است. به هر حال، پس از تصویب قانون مزبور در ۲۰۱۲ و عطف به ماسبق شدن آن از ۱۹۸۵، خواهان‌های قضیه کاظمی که دعوی سابق‌شان مبتنی بر عدم مصونیت دولت ایران در موضوع شکنجه در دادگاه کانادا پذیرفته نشده بود، بار دیگر بخت خود را ذیل این قانون آزمودند که به نتیجه‌ای نرسیدند.^{۲۱}

آرای دادگاه‌های آمریکا^{۲۲} که حساب‌های بانکی و اموال دولت ایران در کانادا به‌واسطه اجرای

18. State Sponsors of Terrorism

19. Order Establishing a List of Foreign State Supporters of Terrorism, SOR/2012-170.

در همان روزی که دولت کانادا نام ایران را به‌عنوان دولت حامی تروریسم اعلام کرد (۷ سپتامبر ۲۰۱۲)، سفارت خود در تهران را بست و دیپلمات‌های ایرانی را از کانادا اخراج کرد.

20. Justice for Victims of Terrorism Act, 2012, pp. 2, 4.

۲۱. عبداللهی، محسن و جمال خندان کوچکی؛ «استثنای تروریسم در قوانین مصونیت ایران، آمریکا و کانادا»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۰، شماره ۷۷، ۱۳۹۶، شماره ۷۷، صص ۲۷۵-۲۷۳.

۲۲. در ایالات متحده آمریکا، مصونیت دولت‌های حامی تروریسم به‌واسطه قانون ۱۹۹۶ به‌طور رسمی لغو می‌شود و این قانون که از قضا ویژگی عطف به ماسبق شدن نسبت به وقایع قبل از لازم‌الاجرا شدن خود و نسبت به اقدامات علیه اتباع آمریکا در خارج از خاک این کشور را نیز دارد، شامل ایران نیز می‌شود. این قانون تنها نسبت به برخی اقدامات قابلیت اجرا دارد و برای اعمال آن باید برخی شروط محقق شود. صدمه شخصی یا فوت ناشی از شکنجه، قتل فراقضایی، گروگانگیری و ربودن و خرابکاری در هواپیما اعمالی هستند که در صورت انجام از سوی دولت‌هایی که نام آن‌ها در فهرست دولت‌های حامی تروریسم وجود دارد، سبب لغو مصونیت این دولت‌ها می‌شود. همچنین، خواهان یا زیان‌دیده باید در زمان انجام این اعمال، تبعه ایالات متحده باشد و تا زمان طرح دعوا علیه دولت خوانده، فرصت مناسب برای حل‌وفصل موضوع را به دولت مزبور داده باشد.

آن‌ها توقیف و به فروش رسید، پنج مورد بود (قضایای تریسی، بنیت، هالند، هیگینز و مارتالِر گروپ) که همگی در دعاوی تروریستی مربوط به حوادث تروریستی مختلف علیه ایران صادر شده بودند (مجموعاً به مبلغ ۱٫۷ میلیارد دلار). ضروری است هر کدام از این قضایا به‌طور مختصر بیان شود. آقای هالند^{۳۳}، یکی از ۲۴۱ نفری بود که در حادثه معروف بمب‌گذاری مقر تفنگداران نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در بیروت در ۱۹۸۳ کشته شده بود و رأی محکومیت دولت ایران در این قضیه در ۲۰۰۵ صادر شد. رأی هیگینز مربوط به گروگانگیری و کشته‌شدن ویلیام هیگینز^{۳۴} در لبنان به‌وسیله سازمان ستم‌دیدگان روی زمین^{۳۵} است که دادگاه آمریکا در حکم سال ۲۰۰۸ خود، این عمل را نخست به حزب‌الله لبنان و سپس به ایران منتسب کرد. اجرای این رأی در کانادا از سوی مرکز امریکایی برای عدالت مدنی^{۳۶} دنبال شد. رأی مارتالِر گروپ^{۳۷} در خصوص بمب‌گذاری سفارت آمریکا در بیروت در ۱۹۸۴ است که کیث وی. ولچ^{۳۸} امریکایی یکی از ۱۴ کشته‌شده آن و ریچارد پول برور^{۳۹} امریکایی نیز یکی از زخمی‌شدگان است و رأی محکومیت ایران در این دو مورد به‌ترتیب در ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ به‌وسیله دادگاه‌های آمریکا صادر شد. رأی بنیت که در ۲۰۰۷ علیه ایران صادر شد نیز مربوط به بمب‌گذاری کافه‌تیریا فرانک سیناترا^{۴۰} در دانشگاه عبری اسرائیل در ۲۰۱۳ است که منجر به مرگ دانشجوی ۲۴ ساله امریکایی، مارلا بنیت^{۴۱} شد. اما معروف‌ترین این قضایا، قضیه ادوارد تریسی^{۴۲} است. تریسی به دلیل آسیب‌دیدگی در دوران ۱۷۵۵ روزه بازداشت‌اش (در ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱) از سوی حزب‌الله دچار اختلالات اسکیزوتایپال^{۴۳} شده بود و از طریق قیّم خود، چارلز مورفی^{۴۴} برای جبران خسارت به دادگاه مراجعه کرد. مشکلات جسمی و روحی تریسی به نحوی بود که او باید به‌طور مداوم و احتمالاً تا آخر عمر در مرکز درمانی تحت مراقبت می‌بود.

(28 U.S.C.A. § 1605(a)(7)).

23. Holland

24. William R. Higgins

25. The Organization of the Oppressed on Earth

26. American Center for Civil Justice

27. Marthaler Group

28. Kenneth V. Welch

29. Richard Paul Brewer

30. Frank Sinatra Cafeteria

31. Marla Bennett

32. *Holland v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civil Action No. 01-1924 (CKK), 496 F. Supp. 2d 1 (D.D.C. 2005); *Higgins v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civil Action No. 99-377 (CKK), 545 F. Supp. 2d 122 (D.D.C. 2008); *Welch v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civil Action No. 01-863 (CKK), 545 F. Supp. 2d 118 (D.D.C. 2008); *Brewer v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civil Action No. 08-0534 (ESH), 664 F. Supp. 2d 43 (D.D.C. 2009); *Bennett v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, N.D. California., No. C 11-05807 CRB, 927 F. Supp. 2d 833 (N.D. Cal. 2013).

33. Edward Tracy

34. Schizotypal Disorder

35. Charles Murphy

دادگاه بخش کلمبیای امریکا در بررسی‌های اولیه خود اعلام می‌کند که ایران، تأمین مالی، آموزش و هدایت حزب‌الله را بر عهده دارد و در قضیه تیرسی نیز مانند بسیاری از موارد دیگر، از طریق حزب‌الله عمل کرده است.^{۳۶}

دولت ایران برخلاف رویه‌ای که در رسیدگی به این پرونده‌ها در دادگاه‌های امریکا دنبال کرد، در جلسات استماع مربوط به اجرای این آرا در دادگاه/وتاریو کانادا شرکت و از خود دفاع کرد. نخستین دفاع ایران این بود که با توجه به ضرورت مطابقت با حقوق بین‌الملل، قانون داخلی باید به نحوی تفسیر شود که سازگار یا دارای کمترین تعارض با حقوق بین‌الملل باشد و از آنجا که مصونیت دولت به‌عنوان قاعده عام حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده و در رویه قضایی کانادا نیز مورد تصریح قرار گرفته است،^{۳۷} قانون مصونیت دولت‌های خارجی کانادا (۱۹۸۵) باید به نفع مصونیت ایران و اموال آن تفسیر شود. دادگاه در پاسخ تصریح می‌کند که صراحت قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (۲۰۱۲) در نادیده گرفتن مصونیت دولت‌های خارجی حامی تروریسم، جای هیچ‌گونه تفسیری را باقی نمی‌گذارد و پارلمان کانادا این اختیار را دارد تا حقوق بین‌الملل را نادیده بگیرد و هنگامی که پارلمان به قصد آشکار خود در نادیده گرفتن یک تعهد بین‌المللی تصریح می‌کند، ضرورت مطابقت با حقوق بین‌الملل، محلی از اعراب ندارد.^{۳۸} ایراد دیگری که ایران در خصوص بخشی از خواسته وارد می‌کند این است که رأی هولاند و رأی مارتالر گروپ به واسطه حوادث تروریستی قبل از ۱ ژانویه ۱۹۸۵ (زمان لازم‌الاجرا شدن قانون مصونیت دولت‌های خارجی کانادا) علیه ایران صادر شد و با توجه به صراحت بند ۴ (۱) قانون ۲۰۱۲ و بند ۶،۱ قانون مصونیت دولت‌های خارجی (۱۹۸۵)، این آرا در کانادا قابل اجرا نیستند. دادگاه ضمن ذکر استدلال دادگاه بدوی^{۳۹} بیان می‌کند که با توجه به تفسیری که در راستای مطابقت هرچه بیشتر میان قانون مصونیت دولت‌های خارجی (۱۹۸۵) و قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (۲۰۱۲) است، نمی‌توان عدم مصونیت دولت‌های حامی تروریسم را محدود به ۱ ژانویه ۱۹۸۵ کرد و این امر با مبنای قانونگذاری پارلمان کانادا در این خصوص ناسازگار است.^{۴۰} استدلال دیگر ایران این است که نام ایران با توجه به نظرات سیاستمداران و به‌عنوان تصمیم سیاسی در فهرست دولت‌های حامی تروریسم درج شده است و حمایت ایران از تروریسم باید از سوی خواهان‌ها اثبات شود. دادگاه در

36. *Tracy v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civ. No. 01-2517 (TFH), Aug 21, 2003, pp. 1-5.

37. *Estate of Kazemi v. Islamic Republic of Iran*, 2014 SCC 62, para. 38.

38. *Tracy v. Islamic Republic of Iran* (Information and Security), 2017 ONCA 549, Docket No. C62403, C62404, C62405, C62406 and C62407, paras. 43-45.

39. دادگاه بدوی در این خصوص استدلال می‌کند که اگر صدمه‌ها و خسارت‌های ناشی از اقدامات تروریستی تا پس از ۱ ژانویه ۱۹۸۵ ادامه یابد، مصونیت دولت خارجی حامی تروریسم همچنان می‌تواند نادیده گرفته شود.

40. *Tracy v. Islamic Republic of Iran* (Information and Security), 2017, *op.cit.*, paras. 47-58.

پاسخ تصریح می‌کند که بیان ساده و آشکار بند ۴,۵ قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (۲۰۱۲) این است که دادگاه کانادا باید رأی دادگاه خارجی را در مواردی که به نفع قربانیان و خسارت‌دیدگان تروریسم و علیه دولت خارجی مندرج در فهرست دولت‌های حامی تروریسم صادر شده است اجرا کند و این جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد.^{۴۱} همچنین سایر استدلال‌ها و ایرادهای ایران که از جمله مبتنی بر تبعیض‌آمیز بودن آرای دادگاه‌های امریکا بر اساس ملیت و مخالفت آن‌ها با نظم عمومی و اخلاق در نظام حقوقی کانادا است نیز مورد قبول دادگاه کانادایی قرار نگرفت^{۴۲} و در نهایت، حکم به فروش اموال ایران و توقیف حساب‌های بانکی آن صادر شد.

۲. مسئولیت بین‌المللی دولت کانادا به‌واسطه نقض مصونیت دولت ایران و اموال آن و تعقیب قضایی آن از سوی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری

دولت کانادا با توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال دولت ایران در راستای اجرای آرای دادگاه‌های امریکا، مصونیت دولت ایران را نسبت به اجرا (مصونیت اجرایی) نقض کرده است. مصونیت اجرایی متمایز از مصونیت از صلاحیت قضایی (مصونیت صلاحیتی) است و حتی مواردی از جمله پذیرش ارجاع اختلاف به دایره بین‌المللی از سوی یک دولت که به معنای اعراض از مصونیت صلاحیتی است، لزوماً به منزله انصراف از مصونیت اجرایی نخواهد بود.^{۴۳} در واقع، اگر رأیی به‌صورت قانونی علیه یک دولت صادر شده باشد، این واقعیت به‌تنهایی نمی‌تواند امکان اتخاذ تدابیر اجرایی علیه اموال دولت محکوم‌علیه در سرزمین دولت محل دادگاه یا سایر دولت‌ها را فراهم آورد.^{۴۴} بنابراین، فارغ از اینکه رأی محکومیت ایران از سوی دادگاه امریکا با نقض مصونیت صلاحیتی دولت ایران صادر شده است یا خیر، دولت کانادا به دلیل اجرای این رأی از محل اموال دولت ایران در کانادا، مصونیت اجرایی ایران را نقض کرده است. حتی در رأی دادگاه *اوتناریو* که به توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال دولت ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های امریکا حکم می‌دهد نیز به نقض حقوق بین‌الملل اذعان شده است؛ بدین ترتیب که ایران در دادگاه استدلال می‌کند که با توجه به لزوم مطابقت با حقوق بین‌الملل، قانون داخلی به گونه‌ای تفسیر می‌شود که سازگار یا دارای کمترین تعارض با حقوق بین‌الملل باشد و از آنجا که مصونیت دولت به‌عنوان قاعده عام حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده است، قانون مصونیت دولت‌های خارجی کانادا (۱۹۸۵) باید به نفع مصونیت ایران و اموال آن تفسیر شود. دادگاه در پاسخ بیان می‌کند

41. *Ibid.*, paras. 60, 70.

42. *Ibid.*, paras. 88, 96.

43. عزیزی، ستار و وحید بذار؛ «دفاع مصونیت دولت پس از پذیرش ارجاع اختلاف به دایره بین‌المللی»، *مجله مطالعات حقوق عمومی*، ۱۳۹۸، دوره ۴۹، شماره ۲، ص ۴۷۶.

44. *Jurisdictional Immunities of the State Case, op. cit.*, para. 113.

که صراحت قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (۲۰۱۲) در نادیده گرفتن مصونیت دولت‌های حامی تروریسم، جای هیچ‌گونه تفسیری را باقی نمی‌گذارد و پارلمان کانادا این اختیار را دارد تا حقوق بین‌الملل را نادیده بگیرد.^{۴۵} به‌طور کلی این اصل مسلم در حقوق بین‌الملل است که دولت نمی‌تواند برای توجیه نقض تعهدات بین‌المللی خود به امور و حقوق داخلی خود استناد کند.^{۴۶} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی» این نتیجه‌گیری را در خصوص موضوع مصونیت تأیید می‌کند. در قضیه مزبور که دادگاه‌های ایتالیا در اجرای آرای دادگاه‌های یونان علیه آلمان، دستور توقیف برخی اموال این دولت از جمله ویلا ویگونی^{۴۷} را داده بود، دیوان تصریح می‌کند که دولت ایتالیا به‌واسطه قابل اجرا قلمداد شدن آرای دادگاه‌های یونان از سوی دادگاه‌های ایتالیا، تعهد به رعایت مصونیت دولت آلمان را که طبق حقوق بین‌الملل از آن بهره‌مند است نقض کرده است.^{۴۸} به‌علاوه، دولت کانادا به‌واسطه تصویب قانون در خصوص عدم مصونیت دولت ایران و اموال آن در پرونده‌های تروریستی (قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (۲۰۱۲))، مصونیت صلاحیتی ایران را نقض کرده و دارای مسئولیت بین‌المللی است. دولت کانادا نمی‌تواند ادعا کند اقدام قوه مقننه این کشور در قانونگذاری نمی‌تواند مسئولیت دولت کانادا را برانگیزد، چرا که طبق ماده ۴ طرح مسئولیت، رفتار هر ارگان دولت، رفتار آن دولت قلمداد می‌شود و ارگان دولت نیز هر موجودیت فردی یا جمعی است که ساختار آن دولت را تشکیل می‌دهد و به نام آن عمل می‌کند. حتی «اصل تفکیک قوا»^{۴۹} نیز در این رابطه به نحو یکنواختی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و بسیاری از ارگان‌ها ترکیبی از اقتدارات عمومی در حوزه تقنینی، قضایی و اجرایی را به‌طور هم‌زمان انجام می‌دهند.^{۵۰} طرز عمل دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگرانند در پاسخ به استدلال دولت امریکا در این خصوص که با توجه به رعایت تفکیک مطلق قوا در نظام داخلی این کشور، دولت امریکا نمی‌توانست مانع اقدام قوه قضاییه آن در اعدام تبعه آلمانی شود، این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند. شرح مختصر این قضیه بدین قرار است که برادران لاگرانند - کارل و والتر لاگرانند^{۵۱} - به‌عنوان اتباع کشور آلمان به‌واسطه ارتکاب جرم در ایالات متحده محکوم به اعدام شدند و دولت آلمان پس از اعدام کارل و یک روز قبل از اعدام برادر او با طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری، آن را مجاب کرد تا با صدور دستور موقت از دولت امریکا بخواهد که تا زمان تصمیم‌گیری نهایی دیوان،

45. *Tracy v. Islamic Republic of Iran* (Information and Security), 2017, *op.cit.*, paras. 43-44.

46. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969, Article 27; Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Article 32.

47. Villa Vigoni

48. *Jurisdictional Immunities of the State Case*, *op. cit.*, para. 139 (1),(2),(3).

49. Principle of the Separation of Powers

50. Draft Articles on Responsibility 2001, *op.cit.*, art. 4 (1) and Commentary of 1 of Article 4.

51. Karl & Walter LaGrand

از اعدام والتیر خودداری کند.^{۵۲} یکی از استدلال‌های دولت امریکا در رسیدگی ماهوی برای توجیه عدم اجرای دستور موقت دیوان که منجر به اجرای حکم اعدام والتیر شد این است که این دولت، دستور موقت دیوان را در همان زمان وصول، به مأمور اجرای آن (فرماندار آریزونا) به‌عنوان فردی که اختیار قانونی داشت تا اعدام را متوقف کند ابلاغ کرده بود و یکی از عوامل اساسی که مانع اقدام مؤثر این دولت در جلوگیری از اعدام شد، «اصل تفکیک قوا» در نظام داخلی این کشور است که به‌عنوان کشور فدرال، قدرت در آن تقسیم شده است. دیوان در نتیجه‌گیری نهایی خود این استدلال امریکا را به‌طور ضمنی رد و تصریح می‌کند که صرف ابلاغ دستور موقت به فرماندار آریزونا بدون حتی یک درخواست برای تعلیق موقت حکم اعدام و بدون تأکید بر این نکته که هیچ‌یک از اجامی در خصوص لازم‌الاجرا نبودن دستور موقت دیوان در امریکا وجود ندارد، قطعاً کمتر از آن چیزی است که دولت امریکا می‌توانست برای اجرای دستور موقت دیوان انجام دهد.^{۵۳}

با توجه به اینکه حقوق مربوط به مصونیت دولت و اموال آن، شکلی است نه ماهوی، کانادا نمی‌تواند مدعی شود که به دلیل شدت عمل غیرقانونی (اعمال تروریستی)، ایران نمی‌تواند به مصونیت خود استناد کند، چرا که مصونیت قضایی، موضوع شکلی است و کاملاً متمایز از تعیین قانونی بودن یا متخلفانه بودن عمل است که در زمره حقوق ماهوی است و به همین دلیل است که مصونیت به منزله عدم مسئولیت نیست.^{۵۴} در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی» در دیوان بین‌المللی دادگستری، یکی از دلایلی که دولت خواننده (ایتالیا) برای توجیه اقدام قضایی نسبت به دولت خواهان (آلمان) بیان می‌کرد این بود که دادگاه‌های ایتالیا با توجه به شدت اعمال متخلفانه آلمان (نقض‌های جدی اصول حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه) که قواعد آمره^{۵۵} را نقض کرده‌اند و با توجه به عدم توفیق زیان‌دیدگان در طی سایر شیوه‌های جبران خسارت و به‌عنوان «آخرین راه‌حل»،^{۵۶} مصونیت دولت آلمان و اموال آن را نادیده گرفتند.^{۵۷} دیوان خاطر نشان می‌کند بجز رأی دادگاه عالی یونان در قضیه *ویوتیا*^{۵۸} تقریباً هیچ نمونه‌ای که از این رویکرد حمایت کند

۵۲. محبی، محسن و وحید بذار؛ «اقدامات تأمینی (دستور موقت) دیوان بین‌المللی دادگستری: الزام یا توصیه؟ نگاهی دوباره به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برادران لاگرانژ»، *فصلنامه قضاوت*، دوره ۱۸، شماره ۹۵، ۱۳۹۷، صص ۹۶-۹۳.

53. *LaGrand (Germany v. United States of America)*, I.C.J. Reports 2001, para. 95.

54. *Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium)*, I.C.J. Reports 2002, para. 60; *Jurisdictional Immunities of the State Case*, *op. cit.*, para. 58.

55. *jus cogens*

56. Last resort

57. *Jurisdictional Immunities of the State Case*, *op. cit.*, para. 80.

58. *Voitotia v. Federal Republic of Germany*, Case No. 11/2000.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی» برای اثبات عدم پذیرش لغو مصونیت دولت در رویه دادگاه‌ها به آرای از جمله قضیه *بوچرون* و قضیه *گروز* در فرانسه، قضیه *فانگ* در نیوزلند، قضیه *جونز* در بریتانیا، قضیه *ناتونیسکی* در لهستان، قضیه *بونری* در کانادا، قضیه‌ای با موضوع جنایت علیه بشریت در اسلوونی و قضیه *الادسانی* و قضیه *کالوگروپلو* در

قابل ذکر نیست و طبق حقوق بین‌الملل عرفی که قواعد مربوط به مصونیت دولت و اموال آن در حال حاضر در قالب آن تبیین شده است، دولت متهم به ارتکاب نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، از مصونیت محروم نخواهد شد.^{۵۹}

علی‌رغم بدیع‌بودن اقدام دادگاه کانادا در توقیف و فروش اموال دولت ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا، نمی‌توان گفت که این اقدام برخلاف رویه قضایی این کشور در خصوص رعایت مصونیت دولت‌های خارجی و اموال آنهاست که از جمله در قضیه کاظمی و قضیه بوذری در دادگاه‌های این کشور و به‌طور مشخص در خصوص ایران مورد توجه قرار گرفته است، چرا که در قضایای مزبور، دادگاه‌های کانادا به دلیل عدم تحقق شرط استثنائی عدم مصونیت دولت‌های خارجی، نه مصونیت مطلق دولت‌های خارجی و اموال آنها، حکم به رد دعوا دادند. برای روشن شدن ابعاد مختلف این قضایا لازم است تا آنها به‌طور مختصر بررسی شوند تا تمایز میان آنها و قضیه‌ای که موضوع این نوشتار است مشخص شود. خانم زهر/ کاظمی یک عکاس دوتابعیتی ایرانی - کانادایی است که در ۲ تیر ۱۳۸۲ (۲۳ ژوئن ۲۰۰۳) به هنگام عکس‌برداری از تجمع خانواده‌های زندانیان در خارج از زندان اوین تهران و به دلیل عکس‌برداری از دیوارهای زندان که علامت‌هایی در خصوص ممنوعیت عکس‌برداری روی آنها نصب شده بود، بازداشت شد. در روز چهارم بازداشت، وضعیت جسمانی او به‌قدری نامساعد شد که مقامات زندان را مجاب کرد تا او را که در روز سوم در کلینیک زندان بستری شده بود به بیمارستان بقیه‌الله/الاعظم منتقل کنند. او در روز ورود به بیمارستان به کُما رفت و هرگز هوشیاری خود را به دست نیاورد.^{۶۰} سه سال

دیوان اروپایی حقوق بشر اشاره می‌کند که در آنها دادگاه‌ها حتی در جرایم شدیدی چون جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و شکنجه نیز عدم مصونیت دولت را نپذیرفتند.

(Judgment of the Court of Appeal of Paris, 9 September 2002, and Cour de cassation, No. 02-45961, 16 December 2003, Bulletin civil de la Cour de cassation (Bull. civ.), 2003, I, No. 258 (the Bucheron case); Cour de cassation, No. 03-41851, 2 June 2004, Bull. civ., 2004, I, No. 158, p. 132 and Cour de cassation, No. 04-47504, 3 January 2006; Case No. Up-13/99, Constitutional Court of Slovenia; *Fang v. Jiang*, High Court of New Zealand, [2007] New Zealand Administrative Reports (NZAR); *Winićjusz Natoniewski v. Republika Federalna Niemiec – Federalny Urząd Kanclerski w Berlinie*, Supreme Court (Civil Chamber), Case No. CSK 465/09, 29 October 2010.; *Jones v. Saudi Arabia*, House of Lords of United Kingdom, [2007] 1 Appeal Cases (AC) 270; ILR, Vol. 129; *Bouzari v. Islamic Republic of Iran* [2004] OJ No. 2800 Docket No. C38295; *Al Adani v. United Kingdom* [GC], Application No. 35763/97, Judgment of 21 November 2001, ECHR Reports 2001; *Kalogeropoulou and Others v. Greece and Germany*, Application No. 59021/00, Decision of 12 December 2002, ECHR Reports 2002)

دیوان بین‌المللی دادگستری تصریح می‌کند که در یونان نیز رویکرد اتخاذشده در قضیه *ویوتیا*، رویکرد غالب نیست و دیوان عالی یونان در قضیه *مارگیوس* این رویکرد را رد کرده است.

(*Margellos v. Federal Republic of Germany*, case No. 6/2002, ILR, Vol. 129).

59. *Jurisdictional Immunities of the State* Case, *op. cit.*, para. 91.

۶۰. در گزارشی که بعدها از سوی هیئت ویژه رئیس جمهوری ایران برای رسیدگی به فوت خانم زهر/ کاظمی ارائه شد، علت فوت او، شکستگی جمجمه، خون‌ریزی مغزی و عوارض آن در اثر اصابت جسم سخت به سر یا برخورد سر به جسم سخت اعلام شد و زمان ضرب‌دیدگی جمجمه نیز در محدوده ۵ تیر و حداکثر تا ۲۴ ساعت قبل از آن برآورد شد.

بعد از مرگ او، پسرش، استفان (سلمان) هاشمی از طرف خود و به‌عنوان وصی مادرش، دعوی را در دادگاه کی‌یک^{۶۱} کانادا علیه دولت ایران در خصوص خسارت‌های روحی وارده به خود و به اموال مادرش مطرح کرد.^{۶۲} دادگاه کی‌یک در رأی ۲۰۱۱ خود اعلام می‌کند برخلاف خسارت روحی به پسر متوفی که در خاک کانادا وارد شده است، خسارت وارده به اموال او در ایران بوده است که بر اساس استثنای اصل مصونیت در حقوق کانادا، قابل تعقیب در دادگاه‌های کانادا نیست.^{۶۳} اما دادگاه استیناف کی‌یک همین استدلال حداقلی دادگاه بدوی را نیز رد و با نقض حکم آن در ۲۰۱۲ اعلام کرد که استثنای عدم مصونیت دولت‌های خارجی در دادگاه‌های کانادا محدود به صدمه‌های جسمی، نه آسیب‌های روحی است^{۶۴} که نظر دادگاه استیناف به‌وسیله دادگاه عالی کانادا نیز در ۲۰۱۵ تأیید شد.^{۶۵} بنابراین در قضیه خانم زهرا کاظمی، دادگاه‌های کانادا به دلیل عدم احراز شروط استثنای مصونیت در حقوق کانادا، به رعایت مصونیت دولت ایران و اموال آن حکم می‌دهند. قضیه دوم مربوط به آقای هوشنگ بوذری است که به‌عنوان تاجر ایرانی، مالک شرکتی بود که به اشخاص علاقمند به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز در خلیج فارس، مشاوره می‌داد. او از سوی کنسرسیومی از شرکت‌ها برای مذاکره با شرکت ملی نفت ایران در خصوص یک قرارداد ۱٫۸ میلیارد دلاری به منظور لوله‌کشی و ساخت تصفیه‌خانه و فناوری اکتشاف نفت و گاز در آب‌های مجاور مجموعه پارس جنوبی انتخاب شد. در ۱ ژوئن ۱۹۹۳، بوذری از سوی پلیس ایران بازداشت شد و پس از هشت ماه حبس در زندان اوین، به‌محض آزادی با تودیع وثیقه سه میلیون دلاری، به همراه خانواده‌اش به کانادا گریخت و با این ادعا که در دوران بازداشت مورد شکنجه و صدمات جسمی و روحی قرار گرفته، در دادگاه/وتاریو کانادا علیه دولت ایران طرح دعوا کرد.^{۶۶} دادگاه علی‌رغم تلقی ممنوعیت شکنجه به‌عنوان تعهد عام‌الشمول،^{۶۷} اعلام کرد که این ممنوعیت از استثنایات عدم مصونیت دولت‌های خارجی در حقوق کانادا قلمداد نمی‌شود و از آنجا که صدمات جسمی ادعایی نیز در جایی خارج از خاک کانادا به خواهان وارد شده، دولت ایران در این دادگاه مصونیت خواهد داشت. دادگاه استیناف/وتاریو نیز این نتیجه‌گیری را تأیید کرد.^{۶۸} بنابراین در قضایای کاظمی و

(mehrnews.com/news/12000).

61. Quebec

62. Cornell, Christopher. "Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran and the Doctrine of State Immunity under Canadian Law," *Law and Business Review of the Americas*, 2015, Vol. 21, pp. 411-412.

63. *Estate of Kazemi v. Islamic Republic of Iran*, 2011 QCCS 196, para. 2.

64. *Ibid.*, paras. 13-14.

65. *Estate of Kazemi v. Islamic Republic of Iran*, 2014 SCC 62.

66. Novogrodsky, Noah Benjamin, "Immunity for Torture: Lessons from Bouzari v. Iran," *The European Journal of International Law*, 2008, Vol. 18, No. 5, pp. 939-940.

67. *erga omnes*

68. *Bouzari v. Islamic Republic of Iran* [2002] OJ No. 1624, para. 35; *Bouzari v. Islamic Republic of Iran* [2004] OJ No. 2800 Docket No. C38295, para. 87.

بودری که ادعاها عمدتاً مبتنی بر نقض حقوق بشر اتباع کانادا در خارج از خاک این کشور بود،^{۶۹} دادگاه‌های کانادا به دلیل عدم تحقق شرط استثنائی عدم مصونیت دولت‌های خارجی، نه مصونیت مطلق دولت‌های خارجی و اموال آنها، حکم به رد دعوا دادند.

مسئولیت بین‌المللی دولت کانادا به واسطه توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال دولت ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا محرز است و دولت ایران می‌تواند با استناد به مسئولیت بین‌المللی این دولت، آن را در دیوان بین‌المللی دادگستری تحت تعقیب قضایی قرار دهد. فارغ از اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت کانادا در مرحله رسیدگی ماهیتی که با توجه به رویه دیوان در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی» و مطالبی که در بندهای پیشین این نوشتار گفته شد، به نظر نمی‌رسد که بتواند مشکلی برای ایران ایجاد کند،^{۷۰} مبانی صلاحیتی دیوان برای رسیدگی به این موضوع، البته از سمت ایران فراهم نیست. دولت کانادا در ۱۹۹۴ اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را مطابق ماده ۳۶ (۲) اساسنامه دیوان صادر کرد. در این اعلامیه، تنها سه مورد از صلاحیت دیوان استثنا شده است (توافق طرف‌های اختلاف بر توسل به سایر شیوه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف، اختلاف‌های کانادا با دولت‌های مشترک‌المنافع، اختلاف‌های مربوط به مسائلی که طبق حقوق بین‌الملل در صلاحیت انحصاری دولت کانادا است و اختلاف‌های مربوط به تدابیر اتخاذشده از سوی کانادا در خصوص کشتی‌های ماهیگیری در منطقه *نافو رگولیتوری*^{۷۱} بر اساس کنوانسیون ماهیگیری آتلانتیک شمال غربی (۱۹۷۸)) که دعوای احتمالی ایران علیه این دولت در خصوص نقض مصونیت دولت ایران را شامل نمی‌شود. اما دولت ایران چنین اعلامیه‌ای صادر نکرده است و مواردی که ایران نزد دیوان حاضر شده است، به مدد عضویت در معاهدات دو یا چندجانبه‌ای بوده که در آنها صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به اختلاف ناشی از آنها پذیرفته شده بود. تنها گزینه‌ای که در خصوص مراجعه به دیوان برای ایران می‌ماند، صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان است. صدور چنین اعلامیه‌ای از سوی ایران می‌تواند نگرانی‌هایی را در خصوص طرح برخی دعوای علیه ایران ایجاد کند که محدودکردن صلاحیت دیوان به موضوع مصونیت در اعلامیه مزبور می‌تواند این نگرانی‌ها را تا حد زیادی کاهش دهد. به

69. Terry, John and Shody, Sarah. "Could Canada Become a New Forum for Cases Involving Human Rights Violations Committed Abroad," *Commercial Litigation and Arbitration Review*, 2012, Vol. 1, No. 4, p. 63-65.

*۷۰. با توجه به رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی» به نظر نمی‌رسد که دولت ایران دشواری‌های قابل توجهی در مرحله رسیدگی ماهیتی در دیوان داشته باشد. در این قضیه که دولت آلمان مدعی بود که دادگاه‌های ایتالیا با پذیرش دعوای مطروح علیه این دولت و پذیرش اجرا این آرا و آرای دادگاه‌های یونان از محل اموال دولت آلمان در ایتالیا، مصونیت دولت آلمان را نقض کرده‌اند، دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه رسید که بدون تردید ایتالیا مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده است که مسئولیت بین‌المللی آن را برمی‌انگیزد و برای آن تعهد نسبت به جبران کامل خسارت ایجاد می‌کند.

(*Jurisdictional Immunities of the State Case, op. cit.*, para. 136).

71. NAFO Regulatory

هر حال، حتی در صورت صدور چنین اعلامیه‌ای نیز دعاوی با موضوع مصونیت علیه ایران قابل طرح است. حضور ایران در دیوان می‌تواند آسیب‌های دیگری نیز به دنبال داشته باشد؛ بدین ترتیب که ممکن است در مقام دعوی متقابل، ادعاهایی علیه دولت ایران از سوی دولت کانادا مطرح شود. همچنین این احتمال وجود دارد که دولت امریکا تصمیم بگیرد که به‌عنوان ثالث به دعوی مطرح احتمالی میان ایران و کانادا وارد شود و ادعاهایی را علیه ایران مطرح کند و با توجه به رویه دیوان در پذیرش درخواست ورود دولت یونان به‌عنوان ثالث در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی»، درخواست ورود امریکا در دعوی احتمالی میان ایران و کانادا به احتمال زیاد پذیرفته خواهد شد. اما مزیت قابل توجه مراجعه ایران به دیوان این است که مهر تأیید دیوان بر متخلفانه بودن اقدام کانادا در توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال دولت ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های امریکایی، مانع اجرای سایر آرای صادره علیه ایران است. در حال حاضر، آرای متعددی به‌وسیله دادگاه‌های امریکا علیه ایران صادر شده است که ذی‌نفع‌های آن‌ها برای رسیدن به مبالغ بالای غرامت خود، در جستجوی اموال دولت ایران در کشورهای مختلف جهان هستند و حتی برای شناسایی و اجرای این آرا، دعاوی را در برخی کشورها از جمله ایتالیا، فرانسه، لوکزامبورگ و بریتانیا مطرح کرده‌اند. تصریح دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد بر متخلفانه بودن اقدام کانادا در اجرای آرای دادگاه‌های خارجی علیه ایران و اموال آن می‌تواند این پیام را برای دادگاه‌های ملی سایر کشورها به دنبال داشته باشد که حکم آن‌ها به شناسایی و اجرای این آرا، عملی متخلفانه است و مسئولیت بین‌المللی دولت آن‌ها را به دنبال خواهد داشت.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مخالفت دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ خود در قضیه «برخی اموال ایران» در خصوص ورود به موضوع مصونیت دولت و اموال آن که از قضا مصونیت دولت ایران و اموال بانک مرکزی آن، موضوع دعوا بود، تأثیری بر دعوی مطرح احتمالی ایران و کانادا در خصوص موضوع مصونیت در دیوان خواهد داشت؟ در قضیه «برخی اموال ایران»، بخشی از ادعاهای دولت خواهان (ایران)، نقض مصونیت آن و اموال بانک مرکزی آن به‌وسیله دولت خوانده (امریکا) است و از این بابت کاملاً مشابه دعوی مطرح احتمالی ایران و کانادا است. اما خواسته ایران در خصوص اعلام متخلفانه بودن اقدام امریکا در نقض مصونیت ایران و بانک مرکزی آن به این دلیل از رسیدگی دیوان خارج شد که مطابق نظر دیوان، عهدنامه مودت ایران - امریکا به‌عنوان سند مبنای صلاحیت دیوان این قابلیت را ندارد تا ادعاهای مربوط به مصونیت را پوشش دهد و دیوان نسبت به اختلاف ناشی از این ادعاها میان دولت‌های ایران و امریکا صلاحیت ندارد.^{۷۲} بنابراین، عدم ورود دیوان به موضوع مصونیت در قضیه

۷۲. قاضی جمشید ممتاز، قاضی اختصاصی ایران، به‌عنوان یکی از مخالفان سرسخت این قسمت از نتیجه‌گیری دیوان بیان می‌کند که چگونه است که دیوان در قضیه «سکوها نفتی»، موضوع توسل به زور را خارج از عهدنامه مودت نمی‌داند اما در

«برخی اموال ایران» به دلایل کاملاً صلاحیتی بود که در پذیرش صلاحیت دیوان به‌واسطه صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان از سوی ایران به‌هیچ‌وجه مطرح نیست. با توجه به اقبال و تمایل دولت ایران در چند سال اخیر نسبت به توسل به دیوان بین‌المللی دادگستری^{۷۳} نمی‌توان احتمال صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان از سوی ایران را به‌طور کامل منتفی دانست. البته ایران می‌توانست با صدور چنین اعلامیه‌ای قبل از تصمیم‌گیری دادگاه /وتاریو و درخواست صدور دستور موقت از دیوان، حتی از فروش اموال و توقیف حساب‌های بانکی نیز جلوگیری کند. در واقع، فرآیند اجرائی مربوط به اجرای آرای دادگاه‌های امریکا در کانادا که در اکتبر ۲۰۱۹ خاتمه یافت از مدت‌ها قبل آغاز شده بود و ایران می‌توانست با مراجعه سریع‌تر به دیوان، از آن درخواست کند تا به منظور حفظ حقوق طرف‌ها که در رأی نهایی دیوان تبیین می‌شود، دستور موقتی در خصوص منع فروش اموال و منع توقیف حساب‌های بانکی مزبور صادر کند.

نتیجه

دولت کانادا به‌واسطه توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال دولت ایران که در راستای اجرای آرای دادگاه‌های امریکا بوده، مصونیت دولت ایران و اموال آن از اجرا و به دلیل تصویب قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (۲۰۱۲) و قرارداد ایران در فهرست دولت‌های حامی تروریسم، مصونیت صلاحیتی آن را نقض کرده است. این اعمال متخلفانه برخلاف تعهدات بین‌المللی دولت کانادا در حوزه مصونیت است و موجبات مسئولیت بین‌المللی این دولت را فراهم می‌کند. به نظر نمی‌رسد که این اقدامات کانادا از سوی ایران بی‌جواب بماند. البته از سال‌ها قبل، اقداماتی از سوی ایران در مقام مقابله به مثل در پاسخ به قانونگذاری دولت کانادا در لغو مصونیت دولت ایران و اموال آن و قرارداد نام ایران در فهرست دولت‌های حامی تروریسم آغاز شده است؛ بدین ترتیب که پس از اینکه در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی

اینجا نسبت به نقض مصونیت شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهند و این نقض مانع اجرا حقوق و تعهدات ناشی از عهدنامه می‌شود، به نتیجه‌گیری کاملاً متمایز می‌رسد.

(*Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge ad hoc Momtaz, paras. 11,13).

۷۳. در سال‌های اخیر، دولت ایران دو بار برای دادخواهی به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه نموده است که هر دوی آن‌ها علیه ایالات متحده امریکاست. در قضیه نخست (تحت عنوان قضیه «برخی اموال ایران»)، ایران با شکایت نسبت به توقیف حدود ۲ میلیارد دلار اموال بانک مرکزی ایران برای اجرای رأی دادگاه امریکا در قضیه پتروسون، در ۲۰۱۶ به دیوان مراجعه کرد که دیوان در رأی صلاحیتی ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ پذیرفت تا به برخی از خواسته‌های ایران در مرحله ماهوی رسیدگی کند. اما در قضیه دوم، ایران متعاقب خروج ایالات متحده از برجام و برقراری مجدد تحریم‌ها علیه ایران در ۸ مه ۲۰۱۸، ضمن مراجعه به دیوان، خواستار صدور دستور موقت به‌واسطه آثار فاجعه‌آمیز تحریم‌ها بر دولت و مردم ایران شد. دستور موقت درخواست‌شده صادر و دعوا هم‌اکنون در مرحله رسیدگی صلاحیتی دیوان است.

مدنی علیه دولت‌های خارجی (۱۳۹۰)،^{۷۴} وزارت امور خارجه مکلف شد تا فهرست دولت‌های ناقض مصونیت ایران و دولت‌های اجراکننده احکام ناقض این مصونیت را ارائه دهد، پس از درج ابتدایی نام دولت امریکا، به تدریج نام دولت‌هایی از جمله کانادا به آن افزوده شد.^{۷۵} همان‌طور که در پاسخ به آرای دادگاه‌های امریکا که با نقض مصونیت ایران صادر شده‌اند، آرای متعددی در دادگاه‌های ایران علیه دولت امریکا صادر شده است، به نظر می‌رسد که از این پس دعاوی و آرای از این دست علیه دولت کانادا مطرح شود. البته این آرا نیز به احتمال زیاد با مشکل اجرا مواجه می‌شوند و نمی‌توانند به همان آسانی که آرای صادره علیه ایران در خاک کانادا اجرا شدند، محلی از اجرا بیابند.

مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری نیز با توجه به رویه این مرجع بین‌المللی در خصوص موضوع مصونیت دولت و اموال آن که در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی» نمود کرده است، به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر پیگیری موضوع توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال ایران در کانادا قابل ذکر است. البته مسائل مربوط به صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به این قضیه که به‌طور مشخص متوجه دولت ایران است، ایجاب می‌کند که ایران اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت اجباری دیوان صادر کند. ایران می‌تواند برای کاهش آسیب‌های احتمالی ناشی از صدور چنین اعلامیه‌ای، صلاحیت دیوان را به‌صورت محدود بپذیرد. رسیدگی در دیوان بین‌المللی دادگستری، فرآیند نسبتاً طولانی است که به فرض موفقیت‌آمیز بودن، نتیجه آن برای ایران ممکن است برخی از موضوعات از جمله ادعاهایی که در خصوص مشارکت دولت ایران را در اقدامات تروریستی بیان می‌شود در صحن دیوان مطرح کند. ورود دولت امریکا در دعوای احتمالی میان ایران و کانادا در دیوان بسیار محتمل است و این می‌تواند موضوعات متعددی را از سوی این دولت در دیوان مطرح کند. همچنین کانادا می‌تواند در مقام دعوای متقابل، ادعاهایی را در خصوص قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی (۱۳۹۰) و قرارگرفتن نام کانادا در فهرست دولت‌هایی که رعایت مصونیت آن‌ها در دادگاه‌های ایران لازم‌الرعايه نیست، مطرح کند که با توجه به اینکه این موضوعات در حیطه صلاحیت اولیه دیوان در دعوای اصلی است، با مشکل صلاحیتی نیز مواجه نمی‌شود.

۷۴. قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی (مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۱۷) جایگزین قانون مشابهی تحت تقریباً همین عنوان (مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸) و اصلاحات بعدی آن شده است.

۷۵. در حال حاضر علاوه بر امریکا و کانادا، نام دولت آرژانتین نیز در این فهرست وجود دارد.

منابع:**الف. فارسی****- کتاب**

- بیگزاده، ابراهیم؛ «بررسی مبانی استثنائات وارده بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل با تأکید بر اقدام کانادا برای نقض مصونیت ایران»، مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل، به اهتمام محسن عبدالهی، مجد، ۱۳۹۴.
- شهبازی، محمدعلی؛ «بررسی مبانی استثنائات وارده بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل با تأکید بر اقدام کانادا برای نقض مصونیت ایران»، مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل، به اهتمام محسن عبدالهی، مجد، ۱۳۹۴.
- عبدالهی، محسن و میرشهبیز شافع؛ *مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل*، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶.

- مقاله

- عبدالهی، محسن و جمال خندان کوچکی؛ «استثنای تروریسم در قوانین مصونیت ایران، امریکا و کانادا»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۰، شماره ۷۷، ۱۳۹۶. عزیزی، ستار و وحید بذار؛ «دفاع مصونیت دولت پس از پذیرش ارجاع اختلاف به داوری بین‌المللی»، *مجله مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، شماره ۲، ۱۳۹۸.
- محبی، محسن و وحید بذار؛ «اقدامات تأمینی (دستور موقت) دیوان بین‌المللی دادگستری: الزام یا توصیه؟ نگاهی دوباره به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برادران لاگرانژ»، *فصلنامه قضاوت*، دوره ۱۸، شماره ۹۵، ۱۳۹۷.
- نواری، علی؛ «مصونیت قضایی دولت و نقض حقوق بشر در پرتو عملکرد دولت‌ها، رویه قضایی و دکتترین»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.

ب. انگلیسی**- Articles**

- Cornell, Christopher. "Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran and the Doctrine of State Immunity under Canadian Law," *Law and Business Review of the Americas*, Vol. 21, 2015.
- Novogrodsky, Noah Benjamin. "Immunity for Torture: Lessons from Bouzari v. Iran," *The European Journal of International Law*, Vol. 18, No. 5, 2008.

- Ryngaert, Cedric. "Embassy Bank Accounts and State Immunity from Execution: Doing Justice to the Financial Interests of Creditors," *Leiden Journal of International Law*, Vol. 26, Issue. 1, 2013.
- Terry, John and Shody, Sarah. "Could Canada Become a New Forum for Cases Involving Human Rights Violations Committed Abroad," *Commercial Litigation and Arbitration Review*, Vol. 1, No. 4, 2012.

- Instruments

- United Nations, *Charter of the United Nations*, 24 October 1945, 1 UNTS XVI, available at: <https://www.refworld.org/docid/3ae6b3930.html> [accessed 16 October 2020].
- International Law Commission, *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, November 2001, Supplement No. 10 (A/56/10), chp.IV.E.1, available at: <https://www.refworld.org/docid/3ddb8f804.html> [accessed 16 October 2020].
- *Justice for Victims of Terrorism Act*, SC 2012, c 1, s 2, <<http://canlii.ca/t/lgh1>> retrieved on 2020-10-16.
- State Immunity Act, RSC 1985, c S-18, <<http://canlii.ca/t/lgjj>> retrieved on 2020-10-16.
- UN General Assembly, *United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property*, 2 December 2004, A/RES/59/38, available at: <https://www.refworld.org/docid/4280737b4.html> [accessed 16 October 2020].
- United Nations, *Vienna Convention on the Law of Treaties*, 23 May 1969, United Nations, Treaty Series, vol. 1155, p. 331, available at: <https://www.refworld.org/docid/3ae6b3a10.html> [accessed 16 October 2020].

- Case Law

- *Al Adsani v. United Kingdom* [GC], Application No. 35763/97, Judgment of 21 November 2001, ECHR Reports 2001.
- *Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium)*, I.C.J. Reports 2002.
- *Bennett v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, N.D. California., No. C 11-05807 CRB, 927 F. Supp. 2d 833 (N.D. Cal. 2013).
- *Brewer v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civil Action No. 08-0534 (ESH), 664 F. Supp. 2d 43 (D.D.C. 2009).
- *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, I.C.J. Reports 2019.
- Constitutional Court of Slovenia; *Fang v. Jiang*, High Court of New Zealand, [2007] New Zealand Administrative Reports (NZAR).

-
- Cour de cassation, No. 03-41851, 2 June 2004, Bull. civ., 2004, I, No. 158, p. 132 and Cour de cassation, No. 04-47504, 3 January 2006; Case No. Up -13/99.
 - *Higgins v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civil Action No. 99-377 (CKK), 545 F. Supp. 2d 122 (D.D.C. 2008).
 - *Holland v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civil Action No. 01-1924 (CKK), 496 F. Supp. 2d 1 (D.D.C. 2005).
 - *Jones v. Saudi Arabia*, House of Lords of United Kingdom, [2007] 1 Appeal Cases (AC) 270 ILR, Vol. 129.
 - Judgment of the Court of Appeal of Paris, 9 September 2002, and Cour de cassation, No. 02-45961, 16 December 2003, Bulletin civil de la Cour de cassation (Bull. civ.), 2003, I, No. 258 (the Bucheron case).
 - *Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy, Greece Intervening)*, I.C.J. Reports 2012.
 - *Kalogeropoulou and Others v. Greece and Germany*, Application No. 59021/00, decision of 12 December 2002, ECHR Reports 2002.
 - *LaGrand (Germany v. United States of America)*, I.C.J. Reports 2001
 - *Margellos v. Federal Republic of Germany*, Case No. 6/2002, ILR, vol. 129.
 - *Winićjusz Natoniewski v. Republika Federalna Niemiec – Federalny Urząd Kanclerski w Berlinie, Supreme Court (Civil Chamber)*, Case No. CSK 465/09, 29 October 2010.
 - *Tracy v. Islamic Republic of Iran (Information and Security)*, 2017 ONCA 549, Docket No. C62403, C62404, C62405, C62406 and C62407
 - *Tracy v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civ. No. 01-2517 (TFH), Aug 21, 2003
 - *Voiotia v. Federal Republic of Germany*, case No. 11/2000.
 - *Welch v. Islamic Republic of Iran*, United States District Court, D. Columbia, Civil Action No. 01-863 (CKK), 545 F. Supp. 2d 118 (D.D.C. 2008).